

بحران‌های پیش روی رژیم اشغال‌گر قدس در ۲۵ سال آینده

مصطفی ساوه درودی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰

مرتضی چشمه نور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۵

چکیده

این مقاله با هدف بررسی بحران‌های پیش روی رژیم اشغال‌گر قدس در ۲۵ سال آینده ارائه می‌شود. برای پاسخ به سوال اصلی مقاله که بحران‌های پیش روی رژیم اشغال‌گر قدس در ۲۵ سال آینده کدام است؟ نویسنده فرضیه خود را بر این قرار داده که چالش‌ها و بحران‌های پیش روی رژیم اشغال‌گر قدس در ۲۵ سال آینده، در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با تاکید بر وضعیت دموگرافیک و آمار جمعیتی این رژیم قرار دارد. روش مقاله توصیفی-تحلیلی و نوع آن کاربردی-زمینه‌ای است. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که مهمترین بحران‌های پیش روی رژیم صهیونیستی در ۲۵ سال آینده در سطح ملی شامل آمار جمعیتی، ناامنی داخلی و شکاف‌های اجتماعی و تاثیر آن بر همبستگی ملی است؛ در سطح منطقه‌ای اقدامات محور مقاومت، جنبش‌های اسلامی و بیداری اسلامی و در سطح بین‌المللی رشد جبهه ضدصهیونیستی، واکنش سازمان‌های بین‌الملل و مشکلات حقوقی است. نتایج حاصل از تحقیق نشان از آن دارد که مرکز ثقل و کانون بحران در جامعه یهودیان ساکن بر فلسطین اشغالی ناشی از کاهش وضعیت دموگرافیک و آمار جمعیتی رژیم اشغال‌گر قدس بوده و این رژیم با چنین شرایطی در ۲۵ سال آینده به سمت نیستی پیش می‌رود.

واژگان کلیدی: ایران، رژیم اشغال‌گر قدس، آمریکا، حزب‌الله، جمعیت.

mo_doroudi@yahoo.com
mortezachn@gmail.com

۱. دکتری علوم سیاسی، عضو هیات علمی دانشگاه.
۲. کارشناس ارشد مدیریت رسانه، پژوهشگر حوزه امنیت و دشمن‌شناسی.

فلسطین اشغالی، کشوری به مساحت ۲۲/۰۶۲ کیلومتر مربع - یکصد و پنجاهمین کشور جهان از نظر وسعت- در جنوب غربی آسیا و کرانه جنوب شرقی دریای مدیترانه قرار گرفته است. جمعیت آن در حدود ۱۵ میلیون نفر یهود و عرب با احتساب کرانه باختری رود اردن و نوار غزه است. از شمال با لبنان، از شرق با اردن و سوریه و از جنوب غربی با مصر همسایه است. غرب آن نیز به مدیترانه متصل است. ظهور اسرائیل در سال ۱۹۴۸م، در جمع کشورهای بین‌المللی سرآغاز پیدایش مسئله‌ای شد که با گذشت نزدیک به ۷۰ سال هنوز گریبانگیر جامعه مسلمانان و حتی نظام بین‌الملل است. این ظهور که با حمایت بلافصل کشورهای غربی و با تلاش پیگیر انگلیس بعد از سرنگونی خلافت عثمانی آغاز شد، ریشه‌ای ۲۵ ساله داشت که بر اساس قرارداد سایکس- پیکو با واگذاری قیمومیت سرزمین فلسطین به انگلیس از سال ۱۹۲۳ آغاز شد و در طول این مدت استعمار پیر با ترفندی زیرکانه با انتقال یهودیان اروپایی به این سرزمین به تدریج جای پای یهود را در فلسطین اشغالی باز کرد و در نهایت با اعمال نفوذ در سازمان ملل به سال ۱۹۴۸، موجودیت کشوری به نام اسرائیل در عرصه بین‌المللی اعلام شد.

با تشکیل کشور جعلی اسرائیل، تنش بین مسلمانان و یهود در قالب جنگ نظامی آغاز شد که محصول آن شکست اعراب و اشغال بیشتر مناطق تحت کنترل مسلمانان فلسطین بود. بعد از جنگ سال ۱۹۷۳، (جنگ رمضان - یوم کیپور) اقدامات توسعه طلبانه این رژیم ادامه یافت که حمله به لبنان و شعله‌ور ساختن جنگ داخلی در این کشور در سال ۱۹۸۲، حمله به جنوب لبنان در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶، جنگ‌های ۲۲، ۸ و ۵۱ روزه بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ از جمله تنش‌هایی است که رژیم صهیونیستی به‌طور مستقیم در آن نقش داشته است (احمدی، ۱۳۹۵: ۳۸۳).

بیان مسئله

با ظهور رژیم صهیونیستی کشورهای عربی در واکنش به اعلام موجودیت این رژیم به جنگ با اشغال‌گران پرداختند که در طی چهار جنگ با دخالت و حمایت

غربی‌ها شکست را متحمل شدند. بعد از این شکست‌ها، اراده کشورهای عربی تحت تاثیر نفوذ قدرت‌های جهانی به سمت سازش با اشغال‌گران یهود چرخش پیدا کرد که مصر به‌عنوان پیشتاز مبارزه با رژیم صهیونیستی در سرآمد سازش‌کاران قرار گرفت (رجایی، ۱۳۷۱: ۷۳) و از این پس اختلافات بین کشورهای عربی بر سر سازش با یهود وارد دوران جدید شد که نتایج حاصل از آن قیام ملت‌های عربی و تشکیل واحدهای نظامی در داخل و کشورهای پیرامون رژیم صهیونیستی بود که با انقلاب اسلامی ایران و تشکیل محور مقاومت به اوج رسید.

به هر حال حضور یهود در فلسطین اشغالی، به مسئله جهان اسلام تبدیل شده و حل این مسئله دغدغه مسلمانان است. جنگ‌های چهار دوره‌ای اعراب علیه این رژیم و شکست‌های حاصل از آن به دلیل نبود وحدت رویه در مبارزه با صهیونیست، عدم توفیق انتفاضه و جنبش‌های ضد صهیونیستی به دلیل واگرایی‌های درون گفتمانی بین کشورهای عربی، حمایت‌های غرب از رژیم اشغال‌گر قدس به دلیل وابستگی به سرمایه لابی یهود، حمایت از گروه‌های افراطی در منطقه و از جمله داعش و مواردی مانند آن می‌طلبید تا شرایط آتی حل این مسئله با دقت مورد توجه قرار گیرد و راهکارهای تاثیرگذار در تسریع روند سقوط این رژیم شرایط موجود با چارچوبی علمی مورد بررسی قرار گیرد. بدین ترتیب می‌توان گفت مسئله مقاله حاضر تبیین شرایط حاکم بر فلسطین اشغالی و نقطه عزیمت آن بررسی رویکردهای افراطی رژیم صهیونیستی برای بقا است. بر این مبنا، آینده‌نگری محور اصلی مقاله بوده و تلاش خواهد شد تا مبتنی بر تحولات داخلی و خارجی وضعیت پیش روی رژیم اشغال‌گر قدس مورد توجه قرار گیرد.

ضرورت و اهمیت

کنش‌های رفتاری و گفتاری رژیم صهیونیستی علیه ملت مظلوم فلسطین در طول سال‌هایی که از ظهور آن می‌گذرد به یکی از مهمترین دغدغه‌های جامعه مسلمانان و حتی نظام بین‌الملل تبدیل شده است. ساخت تفکر صهیونیست در نظام معنایی استکبار به‌عنوان سرآغاز اقدامات شوم یهود در قرن بیستم، شرایطی سخت و دشوار را

برای جامعه مسلمانان پدید آورد که محصول آن ناامنی در منطقه و تنازعات حاصل از آن، کشتار مسلمانان مظلوم فلسطین و در ادامه اختلاف بین کشورهای منطقه بوده است. به همین دلیل تبیین شرایط حاکم بر فلسطین اشغالی با هدف واکاوی آخرین وضعیت حاکم بر این کشور به منظور ترسیم نقشه راه برای عبور از بحران‌های پیش روی جامعه مسلمانان و ائتلاف علیه یهودیان اشغال‌گر اقدامی ضروری است که باید مورد توجه قرار گیرد.

فرمایشات مقام معظم رهبری در مورد رژیم اشغال‌گر قدس مبنی بر اینکه در ۲۵ سال آینده این رژیم نخواهد بود، حاکی از اهمیت توجه به موضوع رژیم صهیونیستی و حل مسئله این رژیم در جهان اسلام و به خصوص منطقه غرب آسیاست. بررسی شرایط حاکم بر این رژیم در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند روندهای پیش رو در نابودی رژیم صهیونیستی را تبیین و تشریح نماید. برای درک این روندها شایسته است چالش‌ها و بحران‌های پیش روی این رژیم در طول ۲۵ سال آینده مورد توجه قرار گیرد؛ اگرچه ارایه نظر مطلق در خصوص آینده این رژیم امکان‌پذیر نیست؛ اما شواهد حاکی از وضعیت نامناسب و رو به افول صهیونیست در نظام بین‌الملل است که امید است تحقق یافته و جهان اسلام از وجود این جرثومه فساد رهایی یابد.

سوال: بحران‌های پیش روی رژیم اشغال‌گر قدس در ۲۵ سال آینده کدام است؟
فرضیه: بحران‌های پیش روی رژیم اشغال‌گر قدس در ۲۵ سال آینده در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد. در سطح ملی مهمترین آن آمار جمعیتی، ناامنی داخلی و شکاف‌های اجتماعی و تاثیر آن بر همبستگی ملی، در سطح منطقه‌ای مهمترین آن اقدامات محور مقاومت، جنبش‌های اسلامی و بیداری اسلامی و در سطح بین‌المللی مهمترین آن رشد جبهه ضدصهیونیستی، واکنش سازمان‌های بین‌الملل و مشکلات حقوقی است. نقطه کانونی این بحران در هر سه سطح ناشی از وضعیت دموگرافیک و آمار جمعیتی این رژیم است که آن را به سمت نابودی سوق خواهد داد.

شرایط حاکم بر فلسطین اشغالی

شرایط حاکم بر فلسطین اشغالی را می‌توان از سه منظر ملی، منطقه‌ای و

بین‌المللی مورد توجه قرار داد. در محیط ملی جغرافیای فلسطین اشغالی به‌گونه‌ای است که همیشه در امنیت آن تاثیرگذار بوده است. این سرزمین از عمق راهبردی برخوردار نیست. عرض آن در باریک‌ترین نقطه حدود ۱۵ کیلومتر است. اکثر مراکز جمعیتی و حتی منابع و پایگاه‌های نظامی آن، از شمال تا جنوب در تیررس کشورهای عرب قرار دارد و به‌همین دلیل بسیار آسیب‌پذیر است. بیشترین این آسیب‌پذیری‌ها از ناحیه بلندی‌های جولان در خاک سوریه و منطقه جنوب لبنان است. رژیم صهیونیستی در طول سال‌های اشغال با حمایت کشورهای استعماری همچون انگلیس و سپس استکبار آمریکا با بکارگیری بدترین شیوه‌های ضدانسانی، ضمن برخورد شدید نظامی با ساکنان عرب منطقه و مناطق اشغالی کرانه باختری رود اردن، بلندی‌های جولان و باریکه غزه، محدودیت شدید اقتصادی و سیاسی را نیز بر آنان تحمیل نموده و تلاش گسترده‌ای را برای تحقق شعار «سرزمین بدون ملت برای ملت بدون سرزمین» بکار گرفته است.

در محیط منطقه‌ای این رژیم با مشکلات جدی ناشی از واکنش اعراب و مسلمان با ادامه اشغال‌گری مواجه بوده و به‌طور تقریبی تمام این سال‌ها را با جنگ و ستیز سپری نموده است. بعد از جنگ سال ۱۹۴۸، در سه جنگ سراسری دیگر به سال‌های ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ با اعراب مشکل داشته و بعد از آن نیز با قیام انتفاضه روبه‌رو شد. در تمام این سال‌ها شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی علیه رژیم صهیونیستی به مشکل جدی اشغال‌گران تبدیل شد. اوج مشکلات رژیم صهیونیستی بعد از انقلاب اسلامی ایران در منطقه شکل گرفت که همراه با شکل‌گیری جنبش‌های جدید اسلامی با الگوبرداری از انقلاب اسلامی بود. واکنش ایران به اشغال‌گری و اقدامات ضدانسانی این رژیم منجر به تشدید واکنش‌های منطقه‌ای علیه حکام یهودی در سرزمین اشغالی شد که شکل‌گیری جبهه مقاومت اوج این اقدام بود که با گذشت سال‌ها به مهمترین دغدغه رژیم صهیونیستی تبدیل شده است.

در سطح بین‌الملل واکنش‌ها در برابر رژیم صهیونیستی در دو جبهه شکل گرفت. جبهه اول در حمایت از حیات رژیم صهیونیستی است که در محور آن

حامیان غربی این رژیم به رهبری آمریکا قرار دارند؛ اگرچه دغدغه اصلی حامیان در ظاهر تلاش برای حفظ امنیت این رژیم بوده است؛ اما در پس پرده این تلاش وابستگی به منابع مالی لابی یهود است که به دلیل دسترسی به آن همواره امنیت رژیم صهیونیستی را مدنظر قرار می‌دهند تا بتوانند در قبال هزینه‌های مصرف شدن از سرمایه‌های یهود، استفاده کنند. جبهه دوم واکنش نهادها و سازمان‌های بین‌الملل علیه این رژیم است که حتی پای سازمان ملل را نیز در سال‌های گذشته به دفعات به این موضوع باز کرده و در واکنش به اقدامات ضدانسانی و توسعه‌طلبی این رژیم به آن واکنش نشان داده که از جمله واکنش این سازمان در سال ۲۰۱۶، نسبت به اقدامات توسعه‌طلبانه این رژیم در جریان شهرک‌سازی‌های صهیونیست‌نشین بوده است.

یک. بحران‌های محیط ملی رژیم اشغال‌گر قدس

از زمان اعلام موجودیت کشوری به نام اسراییل در فلسطین اشغالی، رژیم حاکم بر این کشور با بحران‌های متعددی در محیط ملی خود مواجه بوده که با گذشت نزدیک به ۷۰ سال هنوز موفق به عبور از آنها نشده و به‌نظر می‌رسد با ادامه روند فعلی همچنان تشدید شود. برخی از مهمترین بحران‌هایی که این رژیم در سطح محیط ملی با آن مواجه بوده از قرار زیر است:

۱-۱. تغییرات دموگرافیک

مشکل اساسی برای بقای این رژیم تغییرات دموگرافیک و جمعیتی یهود در فلسطین اشغالی است. تاکنون در هیچ سایت رسمی و قابل اطمینانی در مورد جمعیت یهودیان سرزمین اشغالی آمار دقیقی در مورد تعداد یهودیان ساکن در فلسطین اشغالی بیان نشده و به‌نظر می‌رسد این اقدام با حمایت لابی یهود، همچنان در هاله‌ای از ابهام باشد. آمار جمعیتی یهود را می‌توان در چند محور مورد توجه قرار داد:

الف) آمار اعلامی در سایت‌ها: با این وجود آمارهای متعددی در سایت‌های مختلف که بیشتر تحت سیطره لابی یهود قرار دارد در مورد جمعیت یهودیان ساکن در فلسطین اشغالی ذکر شده که نشان از آمار برابر یهودیان ساکن بر این منطقه و

اعراب مسلمان است.^۱

این آمار نشان می‌دهد جمعیت مسلمانان با احتساب غزه و کرانه باختری در حدود نه میلیون نفر (غزه ۴/۵، کرانه باختری ۲/۵ و مناطق اشغالی دومیلیون نفر) برآورد شده است. بر اساس ادعای این سایت‌ها جمعیت تل‌آویو در حدود ۳، حیفا ۲ و شرق بیت‌المقدس ۱ میلیون نفر و مابقی اراضی تحت اشغال در حدود ۲ میلیون نفر هستند. بر اساس اعلام همین سایت‌ها، رشد جمعیت در حدود ۱/۵، امید به زندگی ۸۲ سال، میزان باروری ۲/۶ و جمعیت ساکن در اراضی تحت کنترل رژیم صهیونیستی نیز ۷۵ درصد یهودی و مابقی عرب اعلام شده است؛ با این احتساب می‌توان جمعیت یهود را در حدود ۶ میلیون نفر برآورد کرد. به فرض اینکه این آمارها که توسط سایت‌های رسمی در اختیار رژیم صهیونیستی قرار گرفته، درست باشد، جمعیت مسلمانان نسبت به یهودیان ۹ به ۶ است و اما بر اساس آمار غیررسمی جمعیت یهودیان ساکن در فلسطین اشغالی که بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ در حدود ۳/۵ میلیون نفر برآورد شده بود (افتخاری، ۱۳۷۹: ۲۳)، در سال ۲۰۱۶ یعنی ۲۵ سال بعد در حدود ۵ میلیون نفر برآورد شده است. اگر هم این فرضیه درست باشد نشان از آن دارد که جمعیت یهودیان ساکن در فلسطین اشغالی حداقل در طی دو دهه اخیر به یک سوم جمعیت مسلمانان فلسطینی رسیده است. یکی از سایت‌هایی که آمار دقیق مهاجرت یهودیان به فلسطین اشغالی را به سال مشخص کرده، سایت مهاجران یهود است^۲ که این آمار را از سال ۱۹۴۸ تا سال ۲۰۰۴ به‌طور دقیق ۲۹۶۷۸۲۰ نفر قید کرده است. اگر جمعیت قبل از سال ۱۹۴۸ در حدود ۵۰۰ هزار نفر در نظر گرفته شود، می‌توان مدعی شد

۱. در این زمینه مراجعه شود به:

- http://www.indexmundi.com/israel/demographics_profile.html
- <http://www.prb.org/Publications/Articles/2014/israel-demography.aspx>
- www.pcbs.gov.ps/site/881/default.aspx#Population
- www.foreignpolicy.com/articles/2013/03/13/israels_demographic_destiny_palestine
- www.pewforum.org/files/2011/01/FutureGlobalMuslimPopulation-WebPDF-Feb10.pdf
- <http://www.worldometers.info/world-population/israel-population/>
- <http://www.migrationpolicy.org/article/israel-balancing-demographics-jewish-state>
- <http://www.pcbs.gov.ps/site/881/default.aspx#Population>
- <http://www.indexmundi.com/g/g.aspx?v=21000&c=gz&l=en>
- <http://www.worldometers.info/world-population/israel-population/>
- [2.WWW.Jewishvirtuallibrary.org.](http://www.Jewishvirtuallibrary.org)

شرایط دموگرافیگی و آمار جمعیتی یهود در سال ۲۰۰۴ در حدود ۳/۵ میلیون نفر بوده است و با توجه به کاهش مهاجرت به فلسطین اشغالی می‌توان مدعی شد آمار فعلی یهودیان برخلاف آنچه در سایت‌های وابسته به لابی یهود آمده، کمتر از ۴/۵ میلیون نفر است. در هر دو صورت (رسمی و غیر رسمی) آمار نشان از آن دارد که رژیم اشغال‌گر قدس به‌خودی خود به سمت تقلیل نیروی انسانی و درنهایت به سمت فاجعه نیروی انسانی در پیش است.

این آمار بدون احتساب فلسطینی‌های آواره و پناهنده در کشورهای اطراف است که این مهم نیز از دیگر مشکلات جدی رژیم اشغال‌گر قدس است که به کابوسی وحشتناک برای این رژیم تبدیل شده است. در کشورهایی مانند اردن، سوریه، مصر حداقل بین ۵ تا ۶ میلیون فلسطینی زندگی می‌کنند که با این شرایط می‌توان جمعیت بالقوه فلسطینی‌ها را در حدود ۱۵ میلیون نفر برآورد کرد.

ب) آمار جمعیتی در نگاه رهبران یهود: شرایط نامناسب دموگرافیک و جمعیتی رژیم اشغال‌گر قدس در طول سال‌های گذشته به‌شدت مورد توجه رهبران یهودی نیز قرار گرفته و با تشکیل جلسات و بررسی‌های همه‌جانبه به‌نوعی در صدد حل این موضوع برآمده‌اند. «عاموس یادلین»^۱ رییس مرکز مطالعات امنیت ملی رژیم صهیونیستی با اشاره به تهدید ناشی از حضور فلسطینی‌ها در کشورهای اطراف فلسطین می‌گوید اسرائیل باید با حمایت بین‌الملل به تثبیت اوضاع انسانی در قسمت‌های هم‌مرز با اسرائیل توجه کند؛ چراکه میلیون‌ها فلسطینی در این کشورها می‌توانند امنیت اسرائیل را بر هم بزنند (اسداللهی، ۱۳۸۹: ۱۱). نتانیاهو در کنفرانس سال ۲۰۱۵ هرتزلیا با اشاره به این مهم اعلام داشت: جامعه اسرائیل چهره خود را تغییر می‌دهد. این تغییر، هویت ما را به‌عنوان اسرائیلی تغییر خواهد داد و تاثیر عمیقی بر مسیری دارد که ما از طریق آن خودمان و وطن ملی خود را می‌شناسیم. این تغییر اجتناب‌ناپذیر است. تغییرات اساسی بافت جمعیتی، تغییراتی هستند که گریزی از آن نیست و... مالکیت بر اسرائیل و ساختار آن در مقابل چشمانمان در حال تغییر است. ساختاری که ما هرگز نخواهیم توانست آن را پاک کنیم، ساختاری که از نظر بسیاری از ما نوعی تهدید برای

1. Yadline.A.

اسرائیل و جنبش صهیونیسم است. این مهم در کنفرانس هرتزلیا نیز که در سال ۲۰۱۶ با شعار امید مشترک اسرائیلی: چشم‌انداز یا توهم برگزار شد، مورد توجه قرار داشت که در آن موضوع هویت اسرائیلی بر اساس مبانی دین یهود و آمار جمعیتی یهود در فلسطین اشغالی بررسی شد (جباری، ۱۳۹۵: ۵۸).

ج) آمار جمعیتی در اسناد رژیم صهیونیستی: در اسناد ملی رژیم صهیونیستی حلقه اول تهدیدات این رژیم، فلسطینیان ساکن در این سرزمین اعلام شده است. این امر به‌نوعی اعتراف رژیم اشغال‌گر قدس به شرایط نامناسب و تهدید جدی امنیتی ناشی از افزایش جمعیت مسلمان در برابر یهودیان ساکن در فلسطین اشغالی است (تقی‌پور، ۱۳۹۰: ۴۲۳) و با توجه به مبانی اعتقادی یهود که یهود کسی است که از مادر یهودی به دنیا آمده باشد (رک به عبدالعالی، ۱۳۹۰: ۱۳۵). انتظار بر این است که آمار جمعیتی یهودیان نه‌تنها در فلسطین بلکه در سراسر دنیا روبه کاهش باشد. این کاهش به‌طور طبیعی در انتقال یهودیان به فلسطین اشغالی نیز تاثیرگذار بوده و آمار مهاجرت به این سرزمین را کاهش خواهد داد.

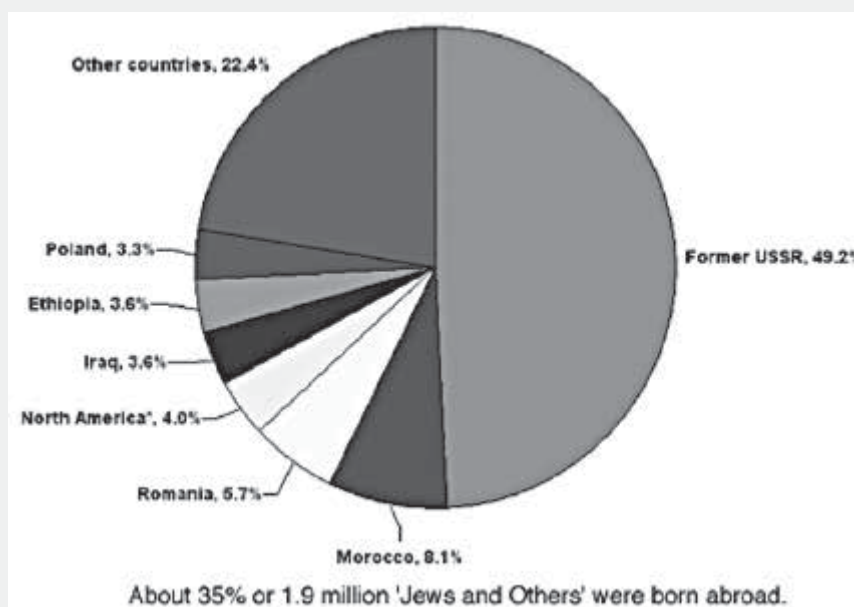
د) آمار جمعیتی و مهاجرت به فلسطین اشغالی: مسئله مهاجرت به فلسطین اشغالی مشکل همیشگی این رژیم بوده و در گذشته نیز به‌عنوان دغدغه محوری رهبران یهود مورد توجه بوده است. در همین رابطه بن‌گورین (اولین رئیس‌جمهور این رژیم) می‌گوید: «مهاجرت به فلسطین به‌منزله خونی است که ادامه حیات اسرائیل را بیمه می‌کند و ضامن امنیت اسرائیل است.» (عبد، ۱۳۷۴: ۱۱۳). سیاست مهاجرت در اندیشه دینی یهود نیز جایگاهی قابل توجه داشته و به‌همین دلیل، مهاجرت مسئله همیشگی یهود بوده است. از زمان حضور انگلیسی‌ها در فلسطین در سال ۱۹۱۷ تا سال ۱۹۷۵، آمار مهاجران به ۱/۵ میلیون نفر رسیده بود؛ اما از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ که موضوع صلح بین اعراب و اسرائیل به سرانجام رسید، مهاجرت ۱/۵ میلیون نفر دیگر به این سرزمین انجام شد؛ اما بعد از انتفاضه در سال ۱۹۸۲، آمار مهاجرت روبه کاهش نهاد؛ به‌گونه‌ای که در ده سال بعد، یعنی تا سال ۱۹۹۵، میزان مهاجرت به نصف دهه قبلی رسید (افتخاری، ۱۳۷۹: ۴۵).

به هر حال مشکل اصلی و اساسی رژیم صهیونیستی جمعیت یهودیان در فلسطین

اشغالی است و تلاش‌ها برای حل این مسئله با توجه به ناامن بودن محیط داخلی ناشی از اقدامات فلسطینیان، علیه یهود حل ناشدنی خواهد بود. این مسئله مهم، رژیم صهیونیستی را بر آن داشت تا برای ایجاد امنیت در داخل، این موضوع را به هر نحوی حل نماید که یکی از مهمترین مواردی که در این راستا مورد توجه قرار داده تشکیل دو دولت است. تشکیل دو دولت در واقع حاشیه‌ای امنیت‌ساز برای این رژیم است تا حداقل تهدیدات ناشی از اقدامات مسلمانان فلسطین را برای مدتی حل نماید.

دو. شکاف اجتماعی در فلسطین اشغالی

از سال ۱۹۴۸ که یهودیان اروپایی و در ادامه سایر یهودیان در برخی از کشورهای آسیایی و آفریقایی در فلسطین ساکن شده‌اند؛ آمار مهاجران یهود به فلسطین اشغالی برابر سایت‌های وابسته به صهیونیست‌ها به شرح مندرج در شکل زیر بوده است:^۱



سایت مهاجرت یهودیان با ملیت‌های گوناگون باعث شده تا این رژیم هیچگاه موفق

۱. برگرفته از سایت

<http://www.worldometers.info/world-population/israel-population/>.

به چسبندگی هویتی نشود. به همین دلیل موزایک‌سازی جمعیتی در این سرزمین همواره با شکنندگی مواجه بوده است. این مسئله به‌عنوان یکی از مهمترین شکاف‌های اجتماعی قوم یهود در سرزمین‌های اشغالی در بین یهودیان ساکن در این سرزمین نمود قابل توجهی داشته است. بیشترین مشاغل راهبردی و مسئولیت‌ها در سرزمین اشغالی به اروپاییان واگذار می‌شود و یهودیان آسیایی و آفریقایی بیشتر در مشاغل پست بکار گرفته می‌شوند. این مسئله بدون هیچ تغییری از زمان اشغال فلسطین همچنان ادامه داشته و به همین دلیل یهودیان کشورهای غیراروپایی با علم بر این موضوع از مهاجرت به فلسطین اشغالی به‌مثابه سال‌های قبل استنکاف می‌ورزند که این مسئله در کاهش جمعیت یهود تاثیر بسزایی داشته است. این وضعیت منجر به نوعی شکنندگی در جامعه یهودیان ساکن بر فلسطین اشغالی شده است. این شکنندگی جمعیتی باعث شده تا بسیاری از متفکرین سیاسی، این سرزمین را محل گردآوری گروه‌هایی بدانند که از نظر فرهنگی و تمدنی متناقض و دور از هم هستند (عبدالعالی، ۱۳۹۱: ۸۸).

این شرایط باعث شده تا همبستگی ملی در این سرزمین بین یهودیان بسیار شکننده باشد، دلیل اصلی آنهم به واسطه آن است که اساسا جامعه یهودی، جامعه‌ای مصنوعی است که با نقش‌آفرینی قدرت‌های استعماری ایجاد شده است. بدین ترتیب می‌توان گفت موزائیک‌بندی جامعه یهودیان اسرائیل به‌دلیل برخوردار بودن از جامعه متکثر چند قومیتی بسیار شکننده و آسیب‌پذیر بوده و یهود را به سمت بحران جمعیتی ناشی از عدم یکپارچگی سوق داده است. «باروک کیمرلینگ»^۱ از متفکرین جامعه‌شناسی با اشاره به این مهم می‌گوید بعد از موج مسافرت یهودیان روس و اتیوپی به اسرائیل حداقل هفت جامعه شهروندی در فلسطین اشغالی شکل گرفت که هر کدام جدا از هم بوده و با خرده فرهنگ‌های متفاوت، شبکه رسانه‌ای و خدماتی مخصوص به خود دارند (Kimmerling, 1997: 45). «سامی سمیحا» معتقد است جامعه اسرائیل حداقل با چهار نوع شکاف شامل شکاف طبقاتی، شکاف قومی بین عرب‌ها یهودی‌ها، شکاف بین یهودیان اشکنازی با ریشه غربی و سفاردیم‌ها

1. Kimmerling.
2. Smiia.

با ریشه شرقی و شکاف بین اکثریت سکولار و جامعه یهودیان مذهبی مواجه است (Smiha, 1993: 409).

این دلایل نشان از آن دارد که جامعه یهودیان فلسطین جامعه‌ای است که از طریق مهاجرت، اسکان و شهرک‌سازی بنا شده و به‌دلیل مهاجرنشینی ترکیب جمعیتی متفاوت و نامتجانسی دارد. این ترکیب مهمترین شکاف تعارض‌آمیز در داخل فلسطین اشغالی است که نهادینه شده و عبور از آن برای رژیم صهیونیستی تقریباً غیرممکن است و با گذشت زمان هر روز هم بیشتر می‌شود و تلاش‌ها برای مصادره اراضی و شهرک‌سازی با هدف یکپارچگی داخلی نیز ثمری نداشته است.

سه. استمرار ناامنی در فلسطین اشغالی

از دیگر مسایل مهمی که در سطح داخلی رژیم صهیونیستی را تهدید می‌نماید، موضوع ناامنی در محیط داخلی فلسطین اشغالی است. تبعات حاصل از جنگ‌های چهار دوره‌ای و در ادامه انتفاضه و قیام علیه یهودیان اشغال‌گر توسط فلسطینی‌ها مهمترین دلیل نبود امنیت برای یهودیان ساکن در این سرزمین بوده و سایر یهودیان نیز با مشاهده این وضعیت از مهاجرت به فلسطین اشغالی خودداری نموده‌اند که دلیل این ادعا کاهش آمار مهاجرت بعد از انتفاضه بوده است. در تمام این مدت با وجود تلاش‌ها و سازش برخی از رهبران فلسطینی برای صلح بین اعراب و رژیم اشغال‌گر قدس درگیری‌های داخلی بین مسلمانان و یهود به‌شدت ادامه داشته که انتفاضه تنها بخشی از این اقدامات بوده است. ضمن اینکه اقدامات برخی گروه‌های فلسطینی از جمله حماس و حتی مخالفت‌های ساکنین کرانه باختری رود اردن با وجود سازش ساف با رژیم صهیونیستی به مشکل جدی امنیتی یهود تبدیل شده است. در واقع استمرار این شرایط به‌طور طبیعی در مسافرت یهودیان به‌خصوص اروپایی و آمریکایی به فلسطین اشغالی نقش داشته و کسی دیگر حاضر به ساکن شدن در سرزمینی که در آن امنیت خود را با خطر مواجه می‌بیند؛ نخواهد بود.

مهمترین نقش در گسترش ناامنی در جامعه یهود را جوانان فلسطینی دارند. بدون شک بستر اصلی مقاومت، پایداری ملت فلسطین است (خامنه‌ای - ۳/ ۱۲/ ۹۵) که

به نظر می‌رسد بیشترین آن توسط جوانان فلسطینی علیه رژیم صهیونیستی در حال شکل‌گیری است. پیش‌بینی مقام معظم رهبری در خصوص تغییر نسل فلسطینی‌ها، یکی از عمیق‌ترین نظریه‌ها در مورد جوانان فلسطینی است. ایشان با اشاره به نابودی رژیم صهیونیستی اعلام داشتند، «نسل کنونی فلسطین، شکست قطعی اسرائیل را خواهد دید». شاید کمتر کسی باور به این را داشت که جوانان فلسطینی اینگونه در برابر رژیم اشغال‌گر قدس صف‌آرایی نموده و رژیم صهیونیستی را به چالش جدی بکشند. آمار جمعیتی جوان فلسطینی با توجه به رشد ۳/۱ درصدی^۱ تولید نسل در فلسطین اشغالی هر روز در حال افزایش است. نیروی جوان تمایل به مبارزه برای بازپس‌گیری سرزمین خود را در مقام مقایسه با آمار جمعیتی گذشته، بیشتر دنبال می‌کند. تشکیل گردان‌های شهدای الاقصی، جبهه خلق برای آزادی فلسطین و حضور در صحنه‌های اعتراضی و مواردی مانند آن از جمله مواردی است که می‌توان به‌عنوان مهمترین اقدامات جوانان فلسطینی برای مبارزه علیه رژیم صهیونیستی مورد توجه قرار داد.

رژیم صهیونیستی برای عبور از این مسئله و ایجاد امنیت در فلسطین اشغالی و به‌خصوص در مناطق مسلمان‌نشین و با هدف کنترل بر بخش‌های مسلمان‌نشین تلاش خود را برای تغییر بافت جمعیتی با راهبرد شهرک‌سازی در دستور کار قرار داده است. تداوم شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی سال ۱۹۶۷، با این هدف دنبال شده و به‌همین دلیل با هر اقدام و یا اندیشه‌ای که مانع تداوم شهرک‌سازی باشد مخالفت نموده و هرگونه مذاکره در این خصوص را عبور از خط قرمز خود می‌داند. تلاش‌ها برای ساخت دیوار حایل در کرانه باختری از سال ۱۹۹۲، با ایده اسحاق رابین با ارتفاع ۳ تا ۸ متر، تقسیم کرانه باختری به سه منطقه A, B, C با هدف کنترل بیشتر مسلمانان، انتقال بخش شرقی بیت‌المقدس به سرزمین‌های اشغالی همه و همه مواردی هستند که رژیم صهیونیستی برای مقابله با ناامنی ناشی از اقدامات فلسطینیان بکار گرفته است. به‌همین دلیل می‌توان گفت مسئله اساسی رژیم اشغال‌گر قدس حل مسئله امنیت در داخل اسرائیل و پیوند آن با خارج است. نتانیاها رهبر دولت راست‌گرای افراطی رژیم صهیونیستی در کنفرانس هرترلیا در سال ۲۰۱۵،

1. <http://www.worldometers.info/world-population/israel-population>.

حل این مسئله را در اولویت ساخت شهرک‌های صهیونیستی در مناطق مختلف فلسطین اشغالی دانسته و مدعی است این اقدام، می‌تواند نقش موثری در کنترل اعراب و تغییر بافت جمعیتی مناطق آلوده در داخل داشته باشد. به همین دلیل دولت راست‌گرای رژیم صهیونیستی بر اساس اندیشه افراطی‌گرایی یهود به‌هیچ‌عنوان از این اندیشه عدول نکرده و کوتاه آمدن در این زمینه را امتیاز برای ملت فلسطین می‌داند. در واقع نتانیاهو شهرک‌سازی را عامل بقا و قدرت نفوذ خود در مناطق عرب‌نشین می‌داند. او مدعی است، عقب‌نشینی یک گام به عقب بوده و هر زمان که از مناطق مختلف از جمله جنوب لبنان و غزه عقب‌نشینی کردیم، با افزایش قدرت حزب‌الله و حماس مواجه شدیم از این‌رو حاضر به دادن هیچ امتیازی به اعراب فلسطینی و مناطق عرب‌نشین نبوده و ضمن رد هرگونه مذاکره با فلسطینی‌ها، بر استمرار حضور در این مناطق تاکید دارد. این نوع افراطی‌گرایی امروز به دغدغه‌ای برای دولت‌مردان آمریکا نیز تبدیل شده و اعتقاد دارند این اقدامات می‌تواند امنیت رژیم اشغال‌گر قدس را با خطر جدی ناشی از اعتراضات عمومی در داخل و خارج همراه سازد

چهار. اختلافات درونی رژیم صهیونیستی

اختلاف بین اندیشه‌های صهیونیسم، پساصهیونیسم در درون جامعه اسرائیل از مهمترین دلایل فروپاشی صهیونیسم در نظام بین‌الملل خواهد بود. صهیونیسم همان گفتمان سنتی است که پیشگام مرحله قبل از تاسیس رژیم (۱۹۴۸) و بعد از آن را در سابقه خود ثبت کرده است. گفتمان دیگر در واقع، نتیجه اختلاف‌های ایدئولوژیک درون جامعه صهیونیسم است که در قالب «پساصهیونیسم»، در فرهنگ سیاسی اسرائیل، به منصفه ظهور رسیده است. صهیونیسم، جنبشی توده‌ای و دارای ریشه‌های خود بنیاد استعماری غرب، بیرونی و سیاسی است. این جنبش از رویکرد تند راست‌گرایانه بر پایه شهرک‌اسکانی (گتوئی) تغذیه می‌کند و دارای راهبرد گسترش شهرک‌نشینی؛ انضمام کرانه باختری به صهیونیسم و باور نداشتن به مذاکره با فلسطینیان است که نتانیاهو در حال حاضر محور این اندیشه است. این طیف در طول سال‌های اخیر با عنوان نوصهیونیسم هم مطرح شده است. نوصهیونیسم با هر نوع عقب‌نشینی از مناطق اشغالی

۱۹۶۷ مخالف است؛ خواهان الحاق رسمی کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی است؛ اعتقادی به مذاکره ندارد؛ پایبند به توافق نیست؛ قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در خصوص وضعیت آوارگان فلسطینی را رد و عملیات شهرک‌سازی و تمامیت‌خواهی، به‌ویژه در بیت‌المقدس را دنبال می‌کند. اعتقاد به اخراج اعراب ۱۹۴۸ و عدم حضور احزاب عربی در کنست و دیگر حوزه‌های سیاسی داشته و امنیت در مقابل صلح (و نه زمین در مقابل صلح) را محور می‌داند.^۱

در مقابل این جریان پسا صهیونیسم قرار دارد. این جریان جنبش فکری است که سودای تبدیل اسرائیل امروز از یک دولت-ملت ایدئولوژیک، دین پایه و امنیتی، به دولت-ملتی نهادین، مدنی و سیاسی را دارد؛ دارای دیدگاه‌های چپ‌گرایانه است. اوج رویکرد نظری پسا صهیونیسم هنگامی است که دغدغه امنیتی و ایدئولوژیک صهیونیستی در مواردی مانند مهاجرت یهودیان، تثبیت مناطق اشغالی و پشتیبانی دولت‌های قدرتمند خارجی به حداقل برسد. پسا صهیونیسم جنبش فکری و دانشگاهی است؛ اعتقد به ضرورت گذار از انحصارگرایی، دین پایه بودن، قومیت محوری دارد. مهمترین تجلی اجتماعی-سیاسی آن در جامعه صهیونیستی شامل: مقاومت در برابر سیاست یکسان‌سازی؛ پرهزینه‌شدن تداوم قانون بازگشت و شهرک‌سازی؛ افزایش هواداری حقوقی-اخلاقی از طرح تشکیل دولت مستقل فلسطینی است. محور این جریان در آمریکا و در سازمان جی استریت^۲ رقم می‌خورد.^۳

دو. بحران‌های محیط منطقه‌ای رژیم اشغال‌گر قدس

۱- انقلاب اسلامی ایران

روابط ایران و رژیم اشغال‌گر قدس در سال ۱۳۲۸ و در زمان نخست‌وزیری ساعد

۱. گزارش نشست تخصصی گروه بررسی محیط پیرامونی و بین‌الملل، دیدگاه‌های راهبردی رژیم صهیونیستی نسبت به تحولات سوریه و جبهه مقاومت، اردیبهشت ۱۳۹۵.

۲. نفوذ لابی صهیونیست در آمریکا به‌حدی است که در اوایل حکومت اوباما برای اینکه قدرت خود را به رخ دولت آمریکا بکشند، لابی جدیدی به‌نام «جی استریت» را تشکیل دادند. در آمریکا تمام خیابان‌ها با عنوان ... A.B.C.D، نامگذاری شده است و هیچ خیابانی به نام جی نیست، این حلقه به نام «جی استریت» مختص یهودیانی است که مخالف اقدامات دولت راست‌گرای نتانیاهو که در دوران اوباما بسیار فعال بودند.

۳. گزارش نشست تخصصی گروه بررسی محیط پیرامونی و بین‌الملل، دیدگاه‌های راهبردی رژیم صهیونیستی نسبت به تحولات سوریه و جبهه مقاومت، اردیبهشت ۱۳۹۵.

مراغه‌ای برقرار شد. ایران این رژیم را به‌صورت دو فاکتو مورد پذیرش قرار داد و این روابط تا سال ۱۳۴۸، به‌همین شکل باقی ماند. تا اینکه در اواخر این دهه رابط خود را به‌صورت رسمی برقرار و در ردیف حامیان اصلی رژیم اشغال‌گر قدس قرار گرفت. با این وجود هیچگاه شناسایی رژیم پهلوی از مرحله دو فاکتو فراتر نرفت (تقی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۲). با پیروزی انقلاب اسلامی، نظام ج.ا.ا بر اساس آرمان‌های اسلامی، ضمن قطع روابط خود با این رژیم، به تهدیدی جدی علیه بقای رژیم اشغال‌گر قدس تبدیل و از همان آغاز روابط دو طرف به رابطه‌ای خصمانه تبدیل شد. ایران اسلامی رژیم اشغال‌گر قدس را به دلایل متعدد از جمله خوی تجاوزگری و اشغال سرزمین فلسطین نامشروع و ملت یهود را جعلی دانسته^۱ و خواهان بازگشت فلسطینیان به موطن اصلی خود و اداره این سرزمین توسط مسلمانان شد. بر این اساس رژیم اشغال‌گر قدس نیز ایران اسلامی را مهمترین تهدید برای بقای این رژیم دانسته و تمام تلاش خود را بکار گرفته تا با حمایت غرب، حاکمیت اسلامی در ایران را ساقط نماید. تبعات حاصل از تنش بین ایران و رژیم اشغال‌گر قدس از چند زاویه قابل تامل است:

(۱) انقلاب اسلامی ایران موج جدید مبارزه علیه اقدامات رژیم حاکم بر فلسطین را ایجاد کرده و موجب بیداری نسل جوان منطقه علیه دولت یهود شده است. دولت یهود با علم بر این موضوع تلاش دارد به هر نحو ممکن، نگاه‌ها را از سمت «تهدید اسرائیل علیه منطقه» به «تهدید ایران علیه منطقه»، تبدیل نماید.

(۲) رژیم اشغال‌گر قدس تنها مخالف جدی روند سازش با اعراب را جمهوری اسلامی ایران دانسته و مدعی است این تفکر ضمن تاثیرگذاری بر ملت‌ها و کشورهای منطقه باعث صرف هزینه قابل توجهی برای دولت یهود شده است. از این‌رو تلاش می‌کند با جلب نظر کشورهای غربی، نظام جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان عامل محوری در مخالفت با صلح جهانی مطرح نموده و با مظلوم‌نمایی، تفکر یهودی‌گری را صلح طلب معرفی نماید.

(۳) صهیونیست معتقد است ایران به‌علت نفوذ قابل توجه خود در منطقه می‌تواند تهدید جدی نظامی را با بکارگیری تمام قدرت خود علیه حلقه‌های امنیتی این رژیم

۱. مراجعه شود به www.khmeni.ir.

بکار گیرد. به همین دلیل ایران تهدید اول این رژیم است.

(۴) صهیونیست و به ویژه لابی «آپیک» در آمریکا، تلاش دارند اقدام علیه ایران را با بزرگ نمایی تهدید ایران در آمریکا و نظام بین الملل به شدت دنبال کنند. مسئولان این رژیم اعتقاد دارند روابط میان آمریکا و ایران، به طور طبیعی از نقش راهبردی رژیم اشغال گر قدس در منطقه برای غرب خواهد کاست.

(۵) این رژیم بعد از شکست خفت بار در جنگ ۳۳ روزه اعلام داشت، هر چه حزب الله داشته و دارد از طرف ایران دریافت کرده است؛ به همین دلیل ایران را به عنوان حامی اصلی تروریست معرفی کرده و در مجامع بین الملل تمام توان خود را بکار گرفته تا از این طریق و با مظلوم نمایی ایران را عامل بی ثباتی در منطقه معرفی نماید.

با شدت گرفتن سمت و سوی تهدید رژیم اشغال گر قدس علیه ایران و تهدید به اقدام نظامی که در سال های ۲۰۰۵ به بعد شدت یافت، رهبری انقلاب اسلامی نیز اعلام داشتند: «در مقابل حمله مستقیم رژیم صهیونیستی، ایران نیز حمله مستقیم به این رژیم خواهد کرد»^۱. به نظر می رسد بعد از فرمایشات رهبر انقلاب اسلامی تغییر در راهبرد این رژیم علیه ایران از حمله سخت و مستقیم به سمت تخریب عقبه راهبردی ایران به ترتیب در عراق و سوریه و همزمان حزب الله لبنان معطوف شد و هدایت جنگ های داخلی در عراق و سوریه از سال ۲۰۱۰ به این طرف با بهره گیری از گروه های سلفی- تکفیری و با هدف برهم زدن امنیت این دو کشور، فرسایش قدرت حزب الله و ایران، تلاش برای گسترش درگیری ها در کشورهای منطقه از جمله یمن، بحرین در راستای امنیت سازی برای رژیم اشغال گر قدس در دستور کار قرار گرفت (ساره درودی و تنهایی، ۱۳۹۳: ۲۳).^۲

گسترش درگیری ها در منطقه سطح توقعات از ایران را به عنوان حامی اصلی ملت فلسطین و محور مقاومت افزایش داد و ایران نیز لاجرم بخشی از قدرت خود را معطوف به مبارزه با رواج اندیشه سلفی- تکفیری و دفاع از امنیت عراق و سوریه و همچنین حل مسئله یمن و بحرین نمود که این روند واکنش جدی رژیم صهیونیستی را در پی

۱. مراجعه شود به www.khmeni.ir.

۲. فرمایشات مقام معظم رهبری در همین راستا قابل توجه است ایشان یکی از علل اصلی جریان سازی گروه های تکفیری را امنیت سازی برای این رژیم برشمرده اند. در این زمینه مراجعه شود به www.khmeni.ir.

داشته است. تاثیرگذاری ایران بر تحولات منطقه علاوه بر بعد سیاسی و حضور اقتصادی در برخی از کشورهای همسایه از جمله عراق و افغانستان، قدرت نظامی ایران را نیز به رخ رژیم اشغال‌گر قدس و همپیمانان و حاکمیان این رژیم کشانید. شاید تا زمان جنگ‌های ۳۳ روزه کسی و یا کشوری باور به قدرت نظامی ایران به‌خصوص در ساخت موشک نداشت؛ اما تغییر سرنوشت جنگ، مسئله را مشخص کرد و همگان به توان موشکی ایران اعتراف کردند. اوج این اعتراف در زبان «یوسی بایتس»^۱ رییس بخش بررسی‌های استراتژیک در واحد اطلاعات نظامی ارتش صهیونیستی بود. او اعلام داشت علاوه بر سوریه و تجهیز این کشور به موشک‌های پیشرفته ایرانی، حزب‌الله لبنان نیز اکنون به موشک‌های پیشرفته‌ای مجهز شده که قادر است تمام خاک اسرائیل را حتی از عمق خاک لبنان هدف قرار دهد (اسداللهی، ۱۳۸۹: ۱۳).

به هر حال تغییر شرایط منطقه‌ای و روند روبه‌رشد قدرت نفوذ ایران در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی اکنون به دغدغه اصلی غرب و حامیان رژیم اشغال‌گر قدس تبدیل شده و تلاش برای شکست این نفوذ حرکت به سمت جنگ ایدئولوژیک در منطقه را هدف قرار داد تا از این طریق اندیشه‌ها و افکار از سمت رژیم صهیونیستی به جنگ‌های داخلی در جهان اسلام کشیده شود. با این وجود تدبیر ایران در منطقه به‌منظور حل این مسئله و پایان اختلافات ایدئولوژیک نابودی رژیم اشغال‌گر قدس را به‌صدا در آورده و خطر اصلی برای اسرائیل بازیگری ایران در منطقه، راهبری و ابتکار عمل ایران است که جریان ضد اسرائیلی را ساماندهی نموده است.

۶-۲. تلاش‌های محور مقاومت

بدون شک مهمترین تهدید برای بقای رژیم اشغال‌گر قدس اقدامات مقاومت با محوریت ایران توسط حزب‌الله و سوریه است که امنیت رژیم صهیونیستی را با مشکل جدی مواجه ساخته است. به‌همین دلیل این رژیم تمام تلاش خود را بکار گرفت تا به هر نحو ممکن این محور را نابود سازد.

حزب‌الله لبنان: رژیم اشغال‌گر قدس حزب‌الله را ابزار اصلی ایران برای نابودی این رژیم دانسته و تلاش خود را در اولویت یکم حذف حزب‌الله به‌عنوان عقبه راهبردی

1. Baits.Y.

ایران می‌داند. رژیم صهیونیستی بعد از شکست در عرصه نظامی مقابله با حزب‌الله تلاش خود را معطوف به برهم زدن روابط حزب‌الله با دولت مردان لبنانی و در ادامه سوریه نمود. که اوج آن در جریان ترور «رفیق حریری» نخست‌وزیر سابق لبنان به منصفه ظهور رسید. در طول این سال‌ها تروریسم به‌عنوان ابزاری مهم مورد استفاده رژیم اشغال‌گر قدس قرار گرفته و تلاش کرد تا حزب‌الله را به‌عنوان عامل تروریسم و ایران را به‌عنوان حامی اصلی تروریسم معرفی نماید.

در همین رابطه به‌طور تقریبی تمامی اندیشکده‌های آمریکایی و اسرائیلی، اتحاد ایران و حزب‌الله را تهدید بزرگ رژیم اشغال‌گر قدس دانسته و بر محدودسازی قدرت این دو تاکید فراوان دارند که اظهارات کیسینجر در کنفرانس هرتزلیا در سال ۲۰۱۶ از جمله این موارد بوده است. او در این کنفرانس اعلام داشت یکی از سه تهدید بزرگ اسرائیل، در کنار خروج آمریکا از منطقه و پایان عمر داعش، اتحاد حزب‌الله و ایران است و اسرائیل به هر شکلی که شده باید در این راستا چاره‌اندیشی کند (دیده‌بان، ۱۳۹۵: ۳۲). این نوع واکنش‌ها اعتراف به قدرت ایران در منطقه و تاثیرگذاری قابل توجه بر حزب‌الله لبنان بوده و با وجود تلاش‌هایی که در زمینه شکست این اتحاد با حمایت از گروه‌های تکفیری انجام شده هنوز توفیقی برای غرب و رژیم اشغال‌گر قدس فراهم نشده و به‌نظر می‌رسد واکنش‌ها در برابر رژیم صهیونیستی به‌عنوان حامی اصلی گروه‌های تروریستی تشدید و شرایط رژیم صهیونیستی در فضای جهانی متزلزل شود. **سوریه:** دولت سوریه بدون شک به‌عنوان پل مقاومت در اتصال ایران به حزب‌الله لبنان است. این کشور برخلاف سایر حاکمان عربی که در روند سازش قرار گرفتند، همچنان در برابر رژیم صهیونیستی مقاومت می‌کند. به‌نظر می‌رسد اشغال بلندی‌های جولان به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از سرزمین سوریه از جمله دلایل اصلی مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی است و ملت سوریه با رهبری هر کسی غیر از «اسد» هم از خاک خود چشم‌پوشی نخواهند کرد. از این‌رو تنازعات امنیتی بین سوریه و رژیم اشغال‌گر قدس تمام شدنی نخواهد بود.

اقدامات محور مقاومت و ضربه‌پذیری این رژیم از سوی حزب‌الله لبنان باعث شده تا رژیم اشغال‌گر قدس، تهدید حزب‌الله را در دومین حلقه تهدیدات امنیتی خود قرار دهد

(ساوه‌درودی، ۱۳۹۵: ۳۲). اقدامات حزب‌الله در جنگ‌های ۳۳ روزه و در ادامه حمایت از اقدامات حماس در غزه به‌خصوص در جنگ ۲۲ روزه و ۸ روزه بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ هراس بزرگ رژیم اشغال‌گر قدس از ادامه اقدامات نظامی علیه این رژیم است. از سال ۱۹۴۸ تا جنگ ۳۳ روزه در هیچ مقطع زمانی عمق خاک تحت کنترل رژیم صهیونیستی مورد تهاجم قرار نگرفته بود؛ اما اقدامات موشکی حزب‌الله لبنان در داخل خاک فلسطین اشغالی باعث شد تا یهود به ضربه‌پذیری خود در داخل اعتراف نمایند. به هر حال گسترش ناامنی و ترس یهودیان از نبود امنیت در داخل جامعه یهود، تاثیر مستقیمی بر آمار مهاجرت یهودیان به فلسطین اشغالی داشته و استمرار این روند تهدید جدی برای رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود.

۳-۶. اقدامات جنبش‌های اسلامی

اولین اقدام و اثر انقلاب اسلامی در مسئله رویارویی فلسطینی‌ها با رژیم صهیونیستی، ورود اسلام‌گرایان به صحنه معادلات فلسطین بود. بخشی از «اخوان المسلمین» که بعدها به اسم «جهاد اسلامی فلسطین» معروف شدند، تحت تاثیر انقلاب اسلامی شکل گرفت و از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ پرچمدار انقلاب اسلامی در رویارویی با رژیم صهیونیستی شد و در سال ۱۹۸۶ اولین انتفاضه فلسطین را آغاز کرد. ۶ روز بعد از انتفاضه اول و روند روبه‌گسترش این جنبش‌ها، اخوان المسلمین جنبشی به نام «حماس» را سازماندهی و اعلام موجودیت کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز از حماس و سایر گروه‌های جهادی فلسطین و مقاومت در فلسطین حمایت کرد و جریانی با نام «جریان مقاومت» را در مقابل «جریان سازش» ایجاد نمود به‌گونه‌ای که اکنون این جریان به مهمترین تهدید علیه رژیم صهیونیستی تبدیل شده و روند روبه‌رشدی را در پیش گرفته است. با این شرایط به‌نظر می‌رسد در آینده روند روبه‌گسترش اقدامات جنبش‌های اسلامی با حضور جوانان فلسطینی علیه رژیم صهیونیستی بیشتر از گذشته نمود یافته و با گسترش ناامنی در فلسطین روند نابودی این رژیم سیر صعودی به خود گیرد.

۴-۶. بیداری اسلامی

بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱، زنگ خطر بسیار نگران‌کننده‌ای برای رژیم صهیونیستی بود. در همین رابطه، رییس موسسه اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی

اعلام داشت: «خاورمیانه با بی‌ثباتی مواجه است و گرایش به اسلام نسبت به گذشته افزایش یافته است.» نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی می‌گوید: «ما دیگر نمی‌توانیم با فلسطینی‌ها مذاکره کنیم؛ زیرا با وجود ایران و اسلامی‌تر شدن منطقه پس از بهار عربی، این امکان برای ما وجود ندارد. بهار عربی هرگز شرایط را بهبود نبخشید و در همه جا اوضاع بدتر شده است. حتی در تونس، جهانگردان دیگر نمی‌توانند به این کشور سفر کنند. اسلام‌گراها همه‌جا هستند و حتی از لیبی سلاح به غزه می‌رود، در حالی که در زمان قذافی این وضعیت وجود نداشت.» وی با اشاره به تغییرات راهبردی محیط مصر ادامه می‌دهد: «مشکل اصلی اسرائیل سوریه نیست؛ بلکه مصر است و پیش‌بینی می‌کنیم که به زودی از صحرای سینا به اسرائیل حمله شود.» وی در پاسخ انتقادی به اظهارات خوش‌بینانه اوباما که اعلام داشت این کشورها در حال ورود به اردوگاه لیبرالیسم دموکراسی هستند، گفت: «ما از برقراری دموکراسی در منطقه حمایت می‌کنیم؛ اما هیچ تضمینی وجود ندارد که در این کشورها به‌جای این رژیم‌ها، نظام‌هایی مانند جمهوری اسلامی ایران بر سر کار نیاید (اسداللهی، ۱۳۸۹: ۱۴). این موارد نشان می‌دهد که بیداری اسلامی از دید رژیم صهیونیستی موضوع بسیار ناگواری بوده و تحقق شعار نابودی اسرائیل و شعار حضرت امام (ره) را نزدیک می‌کند. شاید در مقطع فعلی بیداری اسلامی دوران خاموشی را به خود گرفته؛ اما تجربه نشان از آن دارد که این خاموشی چندان دوام نخواهد آورد و رژیم صهیونیستی نیز به این امر اعتراف داشته و به‌هیمن دلیل تلاش خود را برای برهم زدن نظم ایدئولوژیکی منطقه از طریق حمایت از گروه‌های سلفی- تکفیری در دستور کار قرار داده تا بتواند حداقل این جریان را با تاخیر مواجه سازد.

هفت. محیط بین‌المللی و رژیم اشغال‌گر قدس

۷-۱. واکنش‌های بین‌المللی

برخوردهای رژیم اشغال‌گر قدس در سطح ملی و در داخل سرزمین‌های اشغالی با ملت مظلوم فلسطین و همچنین اقدامات نظامی و تروریستی این رژیم در منطقه با واکنش‌های جامعه جهانی مواجه بوده و با وجود تلاش‌های متحدان آن مشاهد

می‌شود که اندک اندک فضای جهانی به سمت مقابله با رژیم صهیونیستی پیش می‌رود (خامنه‌ای، ۱۳۹۵). اگرچه حامیان اصلی رژیم صهیونیستی همواره در تلاش برای دفاع از اقدامات این رژیم با توسل به سازمان ملل رویکرد مخالفت قانونی با اقدامات رژیم اشغال‌گر قدس را با مشکل مواجه ساختند. با این شرایط به نظر می‌رسد رشد روزافزون مخالفت‌های جهانی در ارتباط با جنایت‌های رژیم کودک‌کش صهیونیستی روندی رو به رشدی را طی نماید. اقدامات این رژیم در گذشته نیز به همین شکل و شاید بدتر از این هم انجام شده؛ اما به دلیل عدم انتشار اطلاعات ناشی از نبود فناوری اطلاعات کمتر این موارد به گوش جهانیان می‌رسید؛ اما در شرایط فعلی و با توجه به سرعت انتقال اطلاعات و دسترسی توده به تحولات جهانی، رژیم اشغال‌گر قدس همچون گذشته در حاشیه امنیت قرار نخواهد داشت.

گزارش گلدسون در مورد اقدامات رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه که برای اولین بار و به صورت رسمی در سازمان ملل علیه این رژیم ارایه شد، یکی از مواردی است که در کنار مقالات و سخنرانی‌ها علیه اقدامات رژیم اشغال‌گر قدس، واکنش جهانی داشته و اعتراضات علیه این رژیم را تشدید کرده است. تبعات قانونی و تبلیغاتی اقدامات جنگ‌طلبانه رژیم صهیونیستی بعد از جنگ‌های ۲۲ روزه و ۸ روزه چنان افزایش یافت که علاوه بر واکنش‌های جهانی در داخل نیز تبعات منفی ناشی از اعتراض نظامیان صهیونیست را نیز در برداشته است که این امر ناشی از اوج اختلافات داخلی در بین مسئولین رژیم صهیونیستی است و به نظر می‌رسد با گذشت زمان واگرایی درون گفتمانی بین رهبران یهود به یکی از چالش‌های اصلی این رژیم تبدیل شود (اسدالهی: همان منبع).

۷-۲. رواج اندیشه ضد صهیونیستی

اعتراضات جهانی در روز قدس نماد بارزی از انتشار اخبار و اطلاعات ناشی از جنایات رژیم صهیونیستی بوده و حتی در کشورهای پیشرفته اروپایی فریاد اعتراض علیه جنایات رژیم صهیونیستی و دفاع از ملت مظلوم فلسطین روبه‌رشد بوده و هر سال بیشتر از گذشته نمود یافته است. زمانی که ایران اسلامی در دفاع از ملت فلسطین آخرین جمعه رمضان هر سال را روز قدس اعلام داشت، کمتر کسی باور می‌کرد که

این روز به نمادی جهانی علیه جنایات ضد انسانی رژیم اشغال‌گر قدس تبدیل شود. به هر حال اوج اعتراضات علیه این رژیم در منطقه غرب آسیا خواب راحت را از چشمان مسئولین صهیونیستی گرفته و به کابوسی وحشتناک علیه بقای این رژیم تبدیل شده است. واکنش‌ها نسبت به مظلومیت ملت فلسطین در آستانه روز قدس و تشدید درگیری‌های نظامی دال بر صحت این ادعاست. روند روبه‌رشد این‌گونه واکنش‌ها به‌طور قطع در حال افزایش بوده و همین امر عامل دیگری برای در تنگنا قرار گرفتن یهود در فلسطین اشغالی است و با گسترش و تداوم تنازعات داخلی و منطقه‌ای و تاثیر بر امنیت یهودیان ساکن در این سرزمین کوچ اجباری از فلسطین شدت یابد.

۷-۳. هزینه بر بودن رژیم صهیونیستی

اقدامات توسعه‌طلبانه رژیم اشغال‌گر قدس در سرزمین‌های اشغالی واکنش مسئولین آمریکایی را نیز افزایش داده است. نوع نگاه روسای جمهوری آمریکا و مخالفت‌های برخی از اندیشکده‌های آمریکایی در مورد هزینه‌بر بودن حمایت‌ها از رژیم صهیونیستی در حال تبدیل شدن به چالش بزرگ یهود در فلسطین اشغالی است که حتی در برخی موارد با واکنش متحد اصلی این رژیم، یعنی آمریکا نیز همراه شده است. به‌نظر می‌رسد دلایل اصلی واکنش آمریکا به دولت راستگرا و افراطی نتانیاهو در چند محور زیر قابل توجه باشد:

- آمریکا به‌واسطه هزینه سنگین در عراق حاضر نیست بار دیگر هزینه دیگری را در منطقه متحمل شود؛
- آمریکا معتقد است اقدام نتانیاهو کل جهان اسلام را در مقابل آمریکا قرار می‌دهد؛
- آمریکا معتقد است تاوان ندانم‌کاری‌های رژیم اشغال‌گر قدس را در منطقه پس داده است؛
- آمریکا از طریق «جی استریت» تلاش دارد از نابودی کامل رژیم اشغال‌گر قدس جلوگیری نماید؛
- آمریکا تلاش دارد تا مسئله رژیم اشغال‌گر قدس و اعراب را از سطح جهانی به منطقه‌ای تبدیل کند؛
- آمریکا تلاش دارد تا نقش پلیس جهانی خود را در حل مسئله اعراب و اسرائیل ایفا نماید.

به هر حال مسئله آمریکا حل موضوع فلسطین و وعده امنیت رژیم اشغال‌گر قدس در قبال حمایت شبکه سرمایه‌داران صهیونیست است که این مهم بیشترین نمود خود را در دوران دمکرات‌ها داشته و تلاش اوباما برای عبور از این مهم از ابتدای قدرت در آمریکا بر همین محور چرخش داشته است. تلاش نتانیاهو نیز در طول مدت هشت ساله ریاست‌جمهوری اوباما بر آن بوده تا با استفاده از لابی صهیونیسم در آمریکا نوع نگاه آمریکا به خود را تغییر و این کشور را ملزم به حمایت از خود نماید. از نظر آمریکا هزینه‌ای است که باید در قبال امنیت رژیم اشغال‌گر قدس بپردازد خیلی سنگین است. در این ارزیابی مسئله احداث شهرک‌نشین‌های صهیونیستی برای آمریکا همواره مسئله‌ساز بوده و در مقاطع زمانی مختلف با این موضوع مخالفت کرده که اوج آن برای اولین بار در سال ۲۰۱۶ بوده که به قطعنامه سازمان ملل در مخالفت با ادامه روند ایجاد شهرک‌سازی رای مثبت نداد که این مهم ضربه سنگینی به رژیم صهیونیستی وارد نموده است. با آمدن ترامپ در آمریکا احتمالاً این نگاه تعدیل خواهد شد و به احتمال قوی در کوتاه‌مدت به دلیل خوی و منش جمهوری خواهان در نگاه به بیرون، حمایت از رژیم اشغال‌گر قدس وارد فاز جدید شود. با این حال به احتمال قوی ترامپ نیز به واسطه هزینه‌های سنگین ناشی از حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی، دست به تعدیل سیاست‌های خود در قبال حمایت از رژیم اشغال‌گر قدس خواهد زد. بیشترین فشار در تغییر نگاه حمایت از رژیم صهیونیستی به محافل دانشگاهی و متفکرین و صاحب‌منصبان آمریکایی برمی‌گردد. «پترائوس» حداقل ده سال قبل در مصاحبه تلویزیونی به صراحت اعلام داشت: «عملکرد اسرائیل کینه و نفرت جهان اسلام را نسبت به آمریکایی‌ها افزایش داده و جان سربازان آمریکایی را در منطقه خاورمیانه با خطر مواجه می‌کند.» در همین رابطه اینداک که خود یک یهودی است اعلام داشت: «اگر نتانیاهو به حمایت آمریکا نیاز دارد باید منافع ملی آمریکا را لحاظ و تصمیم خودسرانه نگیرد.» (اسدالهی، ۱۳۸۹: ۱۷).

به هر حال ترامپ فردی نژادپرست بوده و اقلیت‌ستیزی ترامپ می‌تواند نشانه‌ای از یهودی‌ستیزی وی نیز به‌شمار آید. حضور ترامپ در «حلقه وسپ»، یعنی انگلوساکسون پروتستان تمایلات نژادپرستانه وی را بیش از پیش مورد تاکید قرار می‌دهد و به‌همین

دلیل بود که در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا نوع نگاه یهودی‌ها و رژیم اشغال‌گر قدس بیشتر به سمت کلینتون معطوف شده بود. با این وجود نتانیاهو که احتمال به قدرت رسیدن ترامپ را داده بود به یهودیان پیشنهاد داد در این زمینه محتاطانه رفتار کنند. رویکرد ترامپ در مورد فلسطین مبنی بر اینکه مذاکره باید دوجانبه و بین فلسطینی‌ها و رژیم اشغال‌گر قدس صورت گیرد عامل اصلی تغییر نگاه نتانیاهو به ترامپ بود. نتاناهو در زمره یهودی‌های افراطی همواره از هرگونه مذاکره با فلسطینی‌ها با دخالت خارجی مخالف بوده و به همین دلیل به شدت طرح ابتکار عمل فرانسه را مخالف آرمان‌های یهود می‌دانست و زمانی که این مسئله را ترامپ عنوان کرد به شدت از آن استقبال کرد (وحیده امیری، ۱۳۹۵: ۲۱۱).

۴-۷. مشکلات حقوقی رژیم صهیونیستی

اوج این مشکل را می‌توان در تصویب مصوبه ضد اسراییلی سازمان ملل مورد توجه قرار داد. از جمله مهمترین مشکلات دیگری که گریبانگیر رژیم اشغال‌گر قدس شده اصرار بر سیاست توسعه‌طلبی این رژیم است که با واکنش سازمان ملل همراه گردیده است. اراضی تحت کنترل رژیم اشغال‌گر قدس در سال ۱۹۴۸ مشخص شده است؛ اما این رژیم با اشغال اراضی فلسطینی‌ها در نبرد سال ۱۹۶۷ تغییر جدی در مناطق تحت کنترل فلسطینی‌ها و یهودی را ایجاد کرد و صهیونیست‌ها با اصرار بر ادامه اشغال‌گری مشکل خود را مضاعف ساختند که این مهم با واکنش سازمان ملل در تمام سال‌ها مواجه شده است. قطعنامه ضد اسراییل سال ۲۰۱۶ در همین راستا صورت گرفته و واکنش آمریکا در همراهی با مصوبه سازمان ملل ضربه سنگینی بود که به رژیم اشغال‌گر قدس وارد ساخت.

نتیجه‌گیری

در برخورد با رژیم اشغال‌گر قدس لازم است اقدامات لازم با برنامه‌ریزی مناسب دنبال شود. برای این کار و به منصفه ظهور رسیدن فرمایشات مقام معظم رهبری در مورد نبود رژیم صهیونیستی در ۲۵ سال آینده شایسته است به موارد زیر توجه داشت: مهمترین اقدام شناخت بسترهای سرنگونی رژیم صهیونیستی است. از این رو باید

بسترها را شناخت. در این راه باید به دو محور توجه داشت، آیا شرایط فعلی برای اقدام علیه رژیم اشغال‌گر قدس وجود دارد و اگر وجود دارد، راهکار کدام است و چگونه باید وارد عمل شد. اگر وجود ندارد چگونه باید بسترها فراهم شود و چگونه باید از آن استفاده نمود. به نظر می‌رسد در حال حاضر شرایط فراهم شده؛ اما نیاز به تدبیر دارد. برای این کار شایسته است محورهای زیر مورد توجه قرار گیرد:

در سطح ملی: بنا به فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی تسلیح کرانه باختری رود اردن، حمایت از گروه‌های مبارز فلسطینی، عامل اصلی فروپاشی از درون رژیم صهیونیستی است که به‌عنوان یکی از سناریوهای اصلی باید مورد توجه قرار گیرد. در کنار این سرمایه‌گذاری بر روی جنبش‌های داخلی از طریق اجرای اقدامات اطلاعاتی می‌تواند گام مهمی برای شیب دادن به بحران داخلی این رژیم و گامی برای سرنگونی باشد.

در سطح منطقه‌ای: سرمایه‌گذاری بر روی عوامل تاثیرگذار بیرونی و به‌خصوص تقویت محور مقاومت و دفاع از سوریه و حزب‌الله لبنان با واگذاری تسلیحات و امکانات به محور مقاومت و در عین حال حمایت‌ها از این دو در سطح بین‌الملل نقش مهمی دارد.

در سطح بین‌الملل: فعال‌سازی گروه‌های ضد جنگ در اروپا و آمریکا، همراه با طرح دعوی علیه جنایت رهبران یهود رژیم اشغال‌گر قدس در دیوان کیفری بین‌المللی از جمله راهکارها و مواردی است که باید به توجه داشت. در کنار این اقدام رصد مداوم تحولات داخلی رژیم اشغال‌گر قدس با هدف مدیریت جریان ضد اسرایلی لازم و ضروری است.

فهرست منابع:

۱. اسداللهی، مسعود. (۱۳۸۹)، «فرصت‌ها و چالش‌های اساسی در خاورمیانه» گاهنامه راهبردی، تهران، مرکز تحقیقات دفاعی.
۲. احمدی، وحیده. (۱۳۹۵)، «جایگاه داعش در استراتژی کلان اسرائیل»، در کتاب حقیقت داعش و داعش حقیقی به اهتمام محمدحسن حبیبیان، تهران، قلم.
۳. دیده بان. (۱۳۹۵)، کنفرانس هرتزلیا در سال ۲۰۱۶، تهران نشر پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
۴. ساوه درودی، مصطفی و علیرضا، تنهایی. (۱۳۹۳)، «گروه‌های تکفیری، اهداف و مقاصد در اندیشه رهبری»، تهران فصلنامه دانش راهبردی، دانشگاه دفاع ملی.
۵. ساوه درودی، مصطفی. (۱۳۹۵)، شناخت رژیم اشغال‌گر قدس، تهران، قلم.
۶. رجایی، فرهنگ. (۱۳۷۱)، جنبش‌های اسلامی عرب، تهران، نشر نی.
۷. تقی‌پور، تقی. (۱۳۹۰)، استراتژی پیرامونی اسرائیل، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۸. عبد، معروف. (۱۳۷۴)، دولت فلسطین و شهرک‌های یهودی‌نشین، مترجم فرزاد ممدوحی، تهران، اطلاعات.
۹. افتخاری، اصغر. (۱۳۷۹)، جامعه شناسی اسرائیل، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی خاورمیانه.
۱۰. عبدالعالی، عبدالقادر. (۱۳۹۱)، رژیم اسرائیل و گسست‌های اجتماعی آن، مترجم محمد خواجه‌جویی، تهران، ابرار معاصر.
۱۱. گزارش نشست تخصصی گروه بررسی محیط پیرامونی و بین‌الملل. (۱۳۹۵)، دیدگاه‌های راهبردی رژیم صهیونیستی نسبت به تحولات سوریه و جبهه مقاومت.
۱۲. جباری، علی. (۱۳۹۵)، «کنفرانس هرتزلیا و نتایج آن»، تهران فصلنامه برآورد، پاییز سال ۱۳۹۵، شماره ۱۹.
13. Baruch Kimmerling and Dahlia Moore. (1997), Collective Identity as Agency and Strucuration of Society; The Israel Example, International Review of Sociology, No.7.
14. Sammy Smiiha. (1993), Class,ethnic,and Nationl Cleavages,and Democracy in Israel,London,CO; lynne Rienner Pubishers, 1993.
15. www.khmeni.ir.
16. www.Jewishvirtuallibrary.org.
17. www.indexmundi.com/israel/demographics_profile.html.
18. www.prb.org/Publications/Articles/israel-demography.aspx.
19. www.pcbs.gov.ps/site/881/default.aspx#Population.
20. www.foreignpolicy.com/articles/2013/03/13/israels_demographic_destiny_palestine.
21. www.pewforum.org/files/2011/01/FutureGlobalMuslimPopulation-WebPDF-Feb10.pdf.
22. www.worldometers.info/world-population/israel-population.
23. www.migrationpolicy.org/article/israel-balancing-demographics-jewish-state.
24. www.pcbs.gov.ps/site/881/default.aspx#Population.
25. www.indexmundi.com/g/g.aspx?v=21000&c=gz&l=en.
26. www.worldometers.info/world-population/israel-population.